

تله مرگباری به نام استخر کشاورزی

این روزها با گرم‌شدن هوا برای فرار از گرمای طاقت‌فرسا تن سپردن به خنکای آب استفاده از استخر کشاورزی و رودخانه‌ها به شدت در بین افراد شایع می‌شود.

با وجود این، برخی بی‌توجهی‌ها موجب شده عده‌ای از افرادی که از این مکان‌ها استفاده می‌کنند، دچار غرق‌شدگی شده و جان خود را از دست بدهند، این در حالی است که بسیاری از این افراد شناگر قابلی هم بودند.

آمارهای پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد، تنها در سال گذشته ۸۸۸ نفر در استان‌های مختلف کشور بر اثر غرق‌شدگی جان خود را از دست دهند، که از این تعداد ۷۴۸ نفر مرد ومایقی زن بودند، این در حالی است که استان خوزستان با تعداد ۱۲۳ فوت شده که شامل ۱۰۰ نفر مرد و ۲۳ زن دارای بیشترین فوت‌شده در این زمینه هستند.

تعداد قابل توجهی از این افراد بر اثر غرق‌شدگی در استخرهای کشاورزی جان خود را از دست داده‌اند، که تنها به عنوان یک نمونه می‌توان به غرق‌شدگی اعضای یک خانواده در شهرک عشایری شهر چلگرد شهرستان کوهرنگ چهار محال و بختیاری که در اردیبهشت سال ماه جاری اتفاق افتاد، اشاره کرد.

به گفته ساسان زمانی سیوکی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کوهرنگ هنگامی که یکی از اعضای این خانواده برای شنا به داخل این استخر شیرجه می‌زند، دچار حادثه می‌شود و زمانی که چهار تن از افراد خانواده که با این صحنه مواجه می‌شوند برای نجات جان او داخل استخر شیرجه می‌زنند، اما همگی داخل این مکان گیر افتاده و تنها یک نفر با تلاش نجات‌گران هلال احمر و اورژانس احیا و پس از اعزام به بیمارستان از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند. از آنجا که استخرهای کشاورزی در بیشتر استان‌های کشور در دسترس بوده و هیچ هزینه‌ای ندارند، بنابراین استفاده از این مکان‌ها بسیار مرسوم است.

به گفته کارشناسان، چون این استخرها عمق متغیر و نامشخصی دارند و کف آنها اغلب پوشیده از لجن، گیاهان آبی یا زباله‌های کشاورزی است، می‌تواند باعث گرفتگی پا و غرق‌شدگی شود. از طرفی وجود، دیواره‌های شیب‌دار و لغزنده، خروج از آب را دشوار می‌کند و تجهیزات خطرناکی مانند پمپ‌های مکنده قوی، لوله‌های زیر آب، ته‌پیدات مرگباری ایجاد می‌کنند. علاوه بر خطرات فیزیکی از آنجا که این آب‌ها حاوی مقادیر بالای کودهای شیمیایی، سموم دفع آفات، فضولات حیوانی و آلاینده‌های زیست‌محیطی هستند، بنابراین تماس با آنها می‌تواند باعث مسمومیت‌های شدید، عفونت‌های پوستی، بیماری‌های گوارشی خطرناک و مشکلات تنفسی شود.

شهادت مأمور پلیس در بویر احمد



مأموران انتظامی که برای اجرای دستور قضایی و دستگیری عاملان یک درگیری راهی منطقه‌ای عشایری در شهرستان بویراحمد شده بودند، در شهرستان بویراحمد قرار گرفتند. در این تیراندازی، یک مأمور پلیس به شهادت رسید. دو نفر از متهمان ساعاتی بعد در عملیات پلیس دستگیر شدند. ساعت ۵:۳۰ باسداد روز گذشته حادثه تیراندازی در منطقه عشایری «زنگو» شهرستان بویراحمد رخ داد. مأموران پاسگاه انتظامی دمنجان با دستور مقام قضایی برای شناسایی سلاح غیرمجاز و دستگیری عاملان یک درگیری به محل اعزام شده بودند. سرهنگ محمد مهدی شرفیان، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد درباره این پرونده ادامه دارد، افزود: اقدامات برای شناسایی و دستگیری دیگر افراد مرتبط با این حادثه همچنان در دستور کار پلیس قرار دارد و جزئیات بیشتر پس از تکمیل بررسی‌ها اعلام خواهد شد.

■ غلامرضا مسکنی

چهار سال از قتل کارگر جوان پمپ بنزین در جنوب تهران به دست پسر جوانی می‌گذرد و قاتل فراری که به ترکیه گریخته هنوز فراری است، اما به صورت غیابی محاکمه و به قصاص محکوم شد. پدر مقتول تا دیروز بر قصاص اصرار داشت، اما صبح دیروز در جلسه صلح و سازش تصمیم گرفت دیه قاتل را ببخشد. قاتل اصلی پرونده همچنان در ترکیه فراری است و با وجود بخشش از جنبه خصوصی، پرونده برای رسیدگی به جنبه عمومی جرم همچنان باز است.

■ ■ ■

روز سه‌شنبه، چهارم مهرماه سال ۱۴۰۲، مأموران پلیس تهران از درگیری خونین چند مرد در یکی از پمپ بنزین‌های محله خزانه باخیر شدند. تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه راهی محل شدند. مأموران در آنجا با پیکر خونین مرد جوانی به نام «مسعود» روبه‌رو شدند که به گفته صاحب پمپ بنزین، یکی از کارکنان آن جایگاه بود. او در جریان درگیری با چندران‌دل و اوپاش به شدت زخمی شده بود. مسعود به سختی نفس می‌کشید و بر پرتگه مرگ قرار داشت که برای درمان به بیمارستان منتقل شد، اما ساعتی بعد تیم پزشکی اعلام کرد تلاش برای نجات جان او نتیجه‌ای نداشته و وی بر اثر شدت جراحات فوت کرده‌است.

■ نقشه شوم مجتبی فلافل

تحقیقات تیم جنایی نشان داد روز حادثه، «مجتبی فلافل» که از اوپاش معروف آن منطقه است، همراه دختر مورد علاقه‌اش «فریبا» سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ برزی زدن بنزین به پمپ بنزین رفته‌بود. مجتبی کارت بنزین نداشت و از کارگر پمپ بنزین درخواست کارت کرد، اما مسعود از او خواست کمی صبور باشد، چون رانندگان دیگر در حال بنزین زدن هستند. مجتبی عصبانی شد و با برادرش تماس گرفت و از او خواست که کارت بنزین بیاورد. دقایقی بعد، برادرش «حمید» همراه یکی از دوستانش به پمپ بنزین رسیدند، اما هیچ کارت بنزینی همراه نداشتند. مجتبی که به شدت عصبانی بود، کارت راننده تاسی را که در حال زدن بنزین به خودرویش بود، برداشت و همین موضوع باعث اعتراض راننده تاسی شد. در این لحظه، مسعود کارگر پمپ بنزین به مجتبی اعتراض و با او مشاجره کرد.

قاتلی که به ترکیه گریخته بخشیده شد



در یافتند فریبا به ایران بازگشته است و او را بازداشت کردند. فریبا در بازجویی‌ها اعلام کرد روز حادثه شاهد درگیری بوده و دیده‌است که ضربات اصلی را حمید (برادر مجتبی) زده‌است.

پس از مدتی، به مأموران خبر رسید که مجتبی نیز از افغانستان به ایران بازگشته و قصد دارد دوباره به ترکیه فرار کند. مأموران او را فاغلگیر و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به درگیری مرگبار با کارگر پمپ بنزین اعتراف کرد، اما گفت ضربات اصلی را برادرش حمید زده‌است.

■ اعترافات متهم و محکومیت

مجتبی در بازجویی گفت: «آن روز مست بودم و همراه دختر مورد علاقه‌ام به پمپ بنزین رفتم. عجله داشتم خودرویم را بنزین بزنم که با کارگر جایگاه مشاجره کردم. وقتی حمید برادر ناتنی‌ام همراه دوستانش به جایگاه آمد، درگیری ما بیشتر شد. ما با چاقو او را زدیم، اما ضربات اصلی را برادر ناتنی‌ام زد. پس از این حادثه ترسیدیم که قصاص نشویم و به ترکیه گریختیم. مدتی بعد مشکلی در ترکیه برآم پیش آمد و از طرفی فهمید دوست برادرم به دست مرزبانان ترکیه کشته شد. تصمیم گرفتم به افغانستان فرار کنم، اما در آنجا هم نتوانستم طاقت بیایورم. خیلی سختی کشیدیم که به ایران بازگشتم و در نهایت دستگیر شدم.» پس از اعتراف متهم، کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند ضربه اصلی و مرگبار را حمید (برادر مجتبی فلافل) زده که هنوز هم فراری است و مأموران ری از او در کشور ترکیه پیدا نکردند.

■ صدور حکم و بخشش

بازپرس جنایی پرونده را کامل و کیفرخواست متهم اصلی و همدستانش را صادر کرد و برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاد. پرونده در شعبه ۱۱ کیفری روی میز قضایی شعبه قرار گرفت و پدر مقتول برای قاتل و همدستانش درخواست‌اش مجازات کرد. قضات شعبه، قاتل فراری را به صورت غیابی به قصاص و مجتبی و فریبا را به زندان محکوم کردند. حکم قصاص قاتل فراری پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور به شعبه اجرای احکام فرستاده شد. در حالی که پرونده سیر مراحل قانونی را طی می‌کرد، جلسات صلح و سازش با حضور اولیای دم و خانواده قاتل در دادسرای امور جنایی برگزار شد. در نهایت، جلسات واحد صلح و سازش نتیجه نداد و صبح دیروز، پدر مقتول با گرفتن وجه‌المصالحه، قاتل فرزندش را بخشید. با اقدام خدایسندانه اولیای دم، قاتل از چوبه دار نجات پیدا کرد. رسیدگی به جنبه عمومی جرم از سوی دادگاه کیفری و بازداشت قاتل فراری در دستور کار مأموران پلیس قرار دارد.

مرگ ۳ عضو یک خانواده در تصادف پژو با کامیون



برخورد رخ‌به‌رخ یک دستگاه پژو ۴۰۵ با کامیون بنز در یکی از محورهای روستایی شهرستان بشرویه، سه عضو یک خانواده را به کام مرگ کشاند و تنها بازمانده این حادثه با جراحات شدید به بیمارستان منتقل شد. ساعت ۱۹:۴۵ شامگاه جمعه مأموران پلیس راه از حادثه رانندگی در کیلومتر ۷ محور روستایی ارسک به رقه در شهرستان بشرویه استان خراسان جنوبی باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد یک دستگاه پژو ۴۰۵ با کامیون بنز به صورت رخ‌به‌رخ برخورد کرده‌است. سرهنگ سیاوش مجبی، جانشین پلیس راه راهور فرا گفت: خودروی پژو حامل چهار عضو یک خانواده بود که در پی شدت برخورد، راننده که زنی جوان بود به همراه مادر و خواهر او در دم جان باختند. به گفته وی، شوهر راننده نیز به شدت مجروح شد و پس از امداد رسانی اولیه با نیروهای اورژانس به مرکز درمانی انتقال یافت. جانشین پلیس راه راهور فراجا با اشاره به اینکه علت حادثه در دست بررسی است، گفت تصادفات رخ‌به‌رخ را مرگ‌بارترین سوانح رانندگی هستند، از رانندگان خواست در جاده‌های دوطرفه و فاقد جداکننده میانی، با رعایت سرعت مطمئنه، برهیز از انحراف به چپ و حفظ تمرکز، از وقوع حوادث تلخ و جبران‌ناپذیر جلوگیری کنند.

درخواست دیه از اسیدپاشی که غرامت نمی‌دهد

■ درخواست مجدد قربانی برای پرداخت دیه

پرونده متهم در شعبه یکم اجرای احکام روی میز قاضی روحانی‌زاده قرار دارد. آرزو که به گفته خودش هنوز هم برای درمانش هزینه می‌کند، صبح دیروز به شعبه رفت و خواهان رسیدگی به پرونده و پرداخت دیه‌اش از سوی متهم شد. او به قاضی گفت: «در این مدت، متهم و خانواده‌اش هیچ دیه‌ای به من پرداخت نکردند. من هنوز هم برای درمان هزینه می‌کنم. علاوه بر خسارت‌های مالی که دیدم، از آن زمان وحشت هر روز با من است و حتی از سایه خودم نیز می‌ترسم. الان در خواست دارم دیه‌ام را متهم یا خانواده‌اش پرداخت کنند تا برای ادامه درمانم هزینه کنم.»

با درخواست مجدد قربانی، پرونده اسیدپاشی روی دختر جوان دوباره به جریان افتاد.

■ بررسی‌ها نشان داد دختر جوانی به نام آرزو در خانه

پسر مورد علاقه‌اش هدف اسیدپاشی قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده‌است. در ادامه، مأموران متهم را شناسایی و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به اسیدپاشی گفت: «آرزو سال پیش به عنوان مسافر سوار ماشینم شد. بعد از آن مدتی با هم دوست بودیم. آرزو ادعا می‌کرد که از خانواده‌ای مرفه و خانه‌پذیر‌اش در محدوده شهرک غرب است. او با این ترفند از من مواد و قرص می‌گرفت. تا اینکه فهمیدم دروغ می‌گوید. روز حادثه سر همین موضوع با هم درگیر شدیم که روی او اسید پاشیدم.»

متهم پس از تحقیقات تکمیلی در دادگاه به پنج سال حبس و پرداخت دیه محکوم شد، اما پس از ۱۰ سال، هنوز دیه قربانی را پرداخت نکرده‌است.

کودکان در میدان نبرد الگوریتم‌ها



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

کودکان امروز نخستین نسلی هستند که از سال‌های ابتدایی زندگی، بخش قابل توجهی از فرآیند رشد، یادگیری و شکل‌گیری هویت خود را در فضای مجازی تجربه می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های ارزشمندی برای آموزش، ارتباط و دسترسی به اطلاعات فراهم کرده‌اند، اما هم‌زمان مخاطراتی را نیز پیش روی خانواده‌ها و سیاست‌گذاران قرار داده‌اند، مخاطراتی که اگر برای آنها چاره‌اندیشی نشود، می‌تواند بر سلامت روان، اخلاق، هویت فرهنگی و امنیت اجتماعی نسل آینده اثرگذار باشد.

در ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، کودکان به راحتی به شبکه‌های اجتماعی جهانی دسترسی پیدا می‌کنند، شبکه‌هایی که سرور و سازوکار مدیریتی آنها خارج از مرزهای کشور قرار دارد و امکان نظارت مستقیم بر محتوای منتشرشده در آنها وجود ندارد. در چنین شرایطی، کودکان ممکن است در معرض محتوای خشونت‌آمیز، غیراخلاقی، اخبار جعلی، تبلیغات پنهان، چالش‌های خطرناک و جریان‌های سازمان‌یافته‌ای قرار گیرند که بر نگرش، سبک زندگی و حتی هویت فرهنگی آنان تأثیر می‌گذارد. نگرانی اصلی تنها دسترسی به یک محتوای نامناسب نیست، بلکه الگوریتم‌هایی است که با هدف افزایش زمان حضور کاربران، به تدریج سلیقه، باورها و رفتار مخاطب را شکل می‌دهند. کودک، به دلیل نداشتن قدرت تحلیل کافی، بیش از دیگران در برابر این سازوکارها آسیب‌پذیر است. اگر خانواده، مدرسه و نهادهای فرهنگی نتوانند همگام با این تحولات حرکت کنند، فاصله میان نسل جدید و ارزش‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جامعه بیشتر خواهد شد.

استرالیا استفاده از شبکه‌های اجتماعی را برای افراد زیر ۱۶ سال محدود کرده و اتحادیه اروپا نیز در حال بررسی افزایش حداقل سن استفاده از این خدمات است، اما ناهماهلی مانند یونیسف هشدار داده‌اند که ممنوعیت صرف می‌تواند کودکان را به استفاده پنهانی و اعلام سن غیرواقعی سوق دهد، چنان‌که در برخی پژوهش‌ها، درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان برای عبور از محدودیت‌های سنی، اطلاعات نادرست ثبت کرده‌اند.

راهکار موثر، ترکیبی از آموزش، مسئولیت‌پذیری و قانون‌گذاری است. آموزش سواد رسانه‌ای باید از دوره دبستان آغاز شود تا کودکان شیوه تشخیص اطلاعات نادرست، تبلیغات فریبنده و مخاطرات فضای مجازی را بیاموزند. والدین نیز به آموزش مستمر نیاز دارند تا بتوانند به جای کنترل صرف، همراه و راهنمای فرزندان خود باشند. از سوی دیگر، شرکت‌های فناوری باید ملزم شوند سامانه‌های راستی‌آزمایی سن، ابزارهای مؤثر کنترل والدین، طراحی ایمن برای کودکان و سازوکارهای سریع حذف محتوای زیان‌آور را اجرا کنند.

آینده کودکان را نه می‌توان با راهسازی کامل فضای مجازی تضمین کرد و نه با ممنوعیت مطلق. حفاظت از نسل آینده نیازمند همکاری خانواده، مدرسه، قانون‌گذار و شرکت‌های فناوری است، همکاری‌ای که هدف آن، ساختن فضایی باشد که کودکان بتوانند ضمن بهره‌مندی از فرصت‌های دنیای دیجیتال، از آسیب‌های آن نیز تا حد امکان مصون بمانند.

بازداشت فامیل دور با ۳ کیلو طلای سرقتی

مردی که برای سرما به یزدی، سه کیلوگرم طلای آب‌شده خود را به یکی از بستگانش سپرده بود، قربانی یک کلاهبرداری حساب‌شده شد. متهم پس از جلب اعتماد مالباخته و پرداخت سوده‌های اولیه، با بهانه ناامن بودن جابه‌جایی طلا در شرایط جنگی ناپدید شد، اما سرانجام همراه دو همدستانش به دست پلیس آگاهی تهران دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه مسلم میراحمدی، سرپرست معاونت مبارزه با جمل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: رسیدگی به پرونده یک پرونده کلاهبرداری از اوایل سال و با شکایت مردی آغاز شد که مدعی بود سه کیلوگرم طلای آب‌شده خود را برای انجام فعالیت اقتصادی در اختیار یکی از بستگانش قرار داده، اما دیگر موفق به پس گرفتن آن نشده‌است. بررسی‌های کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی نشان داد متهم برای جلب اعتماد شاکي، در ابتدا سود معاملات را به‌موقع پرداخت می‌کرد، اما پس از مدتی با سوءاستفاده از شرایط ناشی از جنگ، مدعی شد انتقال طلا خطرناک است و به همین بهانه از بازگرداندن اموال خودداری کرد. او سپس ارتباط خود را با مالباخته قطع و متواری شد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها پس از شناسایی مخفیگاه متهم و دریافت دستور قضایی، کارآگاهان در عملیاتی فاغلگیرانه وی را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری اعتراف کرد و دو همدست خود را که در نگهداری طلای مالباخته نقش داشتند، معرفی کرد. با دستگیری دو متهم دیگر، سه کیلوگرم طلای آب‌شده کشف و با دستور مرجع قضایی به صاحبش بازگردانده شد. سرپرست معاونت مبارزه با جمل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به ادامه تحقیقات متهمان با قرار قانونی در اختیار پلیس هستند و بررسی‌ها برای شناسایی دیگر جراثم احتمالی و مالباختگان احتمالی ادامه دارد.

خريد پورشه ۱۳ ميلياردی باسرت ۱۵ ميلياردی

سارق حرفه‌ای که پس از دستبرد ۱۵ میلیارد تومانی به یک شرکت خصوصی در شمال تهران، بخش عمده پول حاصل از فروش اموال سرقتی را صرف خرید یک دستگاه پورشه ۱۳میلیارد تومانی کرده‌بود، پیش از لذت بردن از خودروی لوکسش در دام پلیس آگاهی افتاد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه مهدی معمارپور، فرمانده پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: خرده‌آدم‌ا مسالر پرونده سرقت از یک شرکت خصوصی در شمال تهران روی میز کارآگاهان پایگاه یکم قرار گرفت. بررسی‌های اولیه نشان داد سارقان پس از تخريب در ورودی و گاوصندوق شرکت، طلاجات و اموال ارزشمند به قیمت ۱۵ میلیارد تومان را به سرقت برده‌اند. کارآگاهان با انجام تحقیقات فنی و اطلاعاتی موفق به شناسایی هویت متهم شدند و پس از اخذ دستور قضایی، او را در مخفیگاهش دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد که چند روز پیش از سرقت، شرکت را زیر نظر گرفته و پس از اطلاع از زمان ورود و خروج کارکنان، با تخريب در ورودی و گاوصندوق، نقشه سرقت را اجرا کرده‌است. تحقیقات تکمیلی پلیس نشان داد متهم بخش عمده درآمد حاصل از فروش اموال سرقتی را صرف خرید یک دستگاه پورشه ۱۳میلیارد تومانی به ارزش تقریبی ۱۳ میلیارد تومان کرده و خودرو را در یکی از نمایشگاه‌های خودرو نگهداری می‌کرد که این خودرو نیز توسط پلیس شناسایی و توقیف شد. فرمانده پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ با بیان اینکه ارزش مجموع اموال کشف‌شده حدود ۱۵ میلیارد تومان برآورد شده‌است، افزود: تمامی اموال پس از طی مراحل قانونی به مالباخته تحویل شد و متهم نیز با قرار قانونی برای ادامه رسیدگی قضایی روانه زندان تهران بزرگ شد.